جمع بین روایت حرف واحد و سبعة احرف در مقدمه تبیان با توجه به قرائن منفصل و متصل

پس حاصل عرض من این شد که در عبارات شیخ قرائن منفصله ای هست. در خلاف، در تهذیب و استبصار که «القرائة المنزله» را تنها به حدیث نفی کردند. دنباله آن خیلی جالب بود. اذا فرض تساوی القرائتین. اینجا بود که رفتم.. . بحثم نیمه کاره ماند. سرتاسر تهذیب ایشان میخواهند به تساوی برسانند. یعنی مدام قرائات را پالایش میکنند و محک میزنند؛ شهرت آنها، برای چه کسی، اشکال دارد یا ندارد و... . این کار شیخ است. تا آن جایی که اگر مساوی شد.

میفرمایند: «والقراءتان جميعا صحيحتان قويتان[1]». یعنی وقتی به خروجی بحثشان میرسند اینطور میگویند. هر دو قرائت صحیح است و قوی. کما اینکه گفتند «کلها حق».

اما قبل از اینکه بگویند «قویتان» روی عبارت مقدمه تبیان کار میکنند. مقدمه چه بود؟ بخش عبارتی بود که حذف شده بود. دیروز عرض کردم. «بل اجازوا القراءة بالمجاز الذي يجوز بين القراء

[2]»؛ یعنی نه هر قرائتی. بین قراء قرائتی هست که مجاز نیست. هشت وجه دارد؛ لایقراء. جایز نیست که بخوانید. «بالمجاز»؛ اگر مجاز شد بر آن اجماع هست. خب اگر اجماع آمد و مجاز شد حالا به قرینه متصله برگردید که عدی ندبری امسال آمد. قرینه متصله چه بود که به آن توجه نکرده بودیم؟ اول اجماع را فرموده بودند، روایات واحد را هم فرمودند، دنبال آنکه سه-چهار وجه برای سبعة احرف ذکر کردند فرمودند: وجه اخیر المحل الوجوه ای اصلح الوجوه است. چرا؟ «علی ما روی عنهم علیه السلام من جواز القراءة بما اختلف القراء فیه». این قرینه متصله بود در آن جایی که قرائات مساوی هستند؛ آن جایی که همه قرائات جایز هستند، نزد شیخ محمل حدیث سبعة احرف هستند. این قرینه متصله شد که پس حرف واحد را میخواهید چه معنایی کنید؟

یک قرینه منفصله بسیار مهم این است که میشود شیخ طبری را ندیده باشند؟! عرض کردم بالای هزار و خوردهای از طبری نقل میکند. تفسیر طبری دائم در دست شیخ بوده است. میشود که مقدمه طبری را ندیده باشند؟! نه. در منجد المقرئین و سائر جاها مدام میگویند طبری میگوید کل قرائاتی که مدنیین و عراقیین اختلاف کردهاند حرف واحد است. طبری میگوید. پس شش حرف چیست؟ شش حرف در دست ما نیست. این اختلاف قرائات را طبری میگوید حرف واحد است. نمیشود شیخ این را ندیده باشد. همه این را میگویند؛ مکی بن ابیطالب میگوید، معاصرین شیخ گفتهاند، بعدش گفتهاند. پس شیخ هم میدانند که طبری گفته حرف واحد به این معنا است. پس اینکه شیخ میگوید روایات ما میگویند حرف واحد است، چه میخواهند بگویند؟ یعنی حرف طبری را میگوید ای نه؟

لذا اینجا مهم است که ببینیم ذهنیت شیخ از اینکه اول فرمودند روایات امامیه میگویند حرف واحد، چیست. من یک کلمه میگویم روی آن تأمل کنید. ایشان میگویند روایات امامیه میگویند آقای طبری تو هم میگویی اختلاف قرائات حرف واحد است، اگر میخواهی بگویی حرف واحد یعنی اختلاف قرائات همه از ناحیه خدا است، مشکلی نیست. چون ما هم داریم «لما روی عنهم من اختلاف القرائات من سبعة احرف». اما اگر میخواهی بگویی اختلاف قرائات حرف واحد است، یعنی روایات «نزل القرآن علی سبعة احرف» یعنی شش تا از آنها نیست، اگر میخواهی این را بگویی من با تو مخالف هستم. روایات شیعه میگوید حرف واحد، یعنی همین حرف واحد که در اختلاف قرائات مشکلی ندارد. اما تو که میگویی حرف واحد میخواهی بگویی شش تا از آنها نیست و محو شده، نزل القرآن هم یعنی مرادف گویی و امثال آن، اگر میخواهی این را بگویی، درست نیست. اصلح الوجوه این است که حرف تو غلط است. اصلح الوجوه در سبعة احرف این است که حرف تو غلط است. این خلاصه حرف شیخ است. اگر حرفی داری فردا بفرمایی.

---

[1]التبيان في تفسير القرآن - الشيخ الطوسي (١/ ٢٣٠، بترقيم الشاملة آليا)

[2]همان ج١ص۶

بازبینی #2
ایجاد شده 20 آوریل 2024 14:18:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2024 14:50:54 توسط ... .